

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاوش آزاد  
۲۱ اپریل ۲۰۲۲

## جنگ قدرت جهادی ها و شرکاء علیه طالبان، نه "مقاومت ملی" است، نه "آزادبخش"!

(۱)

سر سخن:

اشغال نظامی افغانستان توسط سازمان نظامی ناتو به رهبری امپریالیسم متجاوز امریکا در اکتوبر سال ۲۰۰۱م در چهارچوب هجوم همه جانبه بلوک امپریالیست های غربی به سوی شرق و بر زمینه و به بهانه حوادث یازدهم سپتمبر، به وقوع پیوست.

این اشغالگری ۲۰ ساله برای دو طرف: جانب اشغالگران و جانب کشور و مردم اشغال شده افغانستان تبعات عدیده ای داشته و مصائب بیمار متعددی را بر دوش خسته خلق تحت ستم و دربند افغانستان تحمیل کرد که پیامد های آن تا هم اکنون و تا مدت ها ادامه خواهد یافت.

متأثر از همین تبعات و خسارات و تلفات اقتصادی، سیاسی و انسانی و در نتیجه نفرت و انزجار سرشار مردم افغانستان از امپریالیست های اشغالگر، قاتل و حامی شقی ترین دسته بندی های ستمگر و جنگسالار جهادی و مافیای قدرت؛ ماشین جنگی امپریالیسم در برابر غرور ملی مردم افغانستان به گل نشست و شکست و عقب نشینی آن متجاوز و شرکای تجاوزش مسلم شد.

امپریالیسم شکست خورده و ناکام در مأموریت استعماری اش، در غیاب حضور و تمثیل مستقلانه اراده جمعی و متفقانه مردم افغانستان برای تعیین سرنوشت جمعی و نظام سیاسی - اقتصادی؛ طی دسیسه ای مشترک با بخشی از نیروی خودفروخته و ارتجاعی بیرون مانده از دائره نظام پوشالی و دولت مزدور ساخت اشغالگران به ریاست نوبتی دو پوشالی خیانت پیشه "کرزی - احمدزی" و همکاران، و حامیان پاکستانی و غیرپاکستانی این گروه (طالبان)، قدرت پوشالی را با برنامه و هماهنگی کامل بدون مقاومت تقدیم مزدوران طالبان کرده و خود شب هنگام در اوج رسوائی بزدلانه از افغانستان فرار کردند.

با فرار اشغالگران یانکی و غیریانکی و به ویژه فرار خائنانه سرخیل مزدوران امریکا - غنی خائن فراری - از کشور، ارکان لشکری و کشوری دولت نظام و پوشالی مرتجع و مزدور ایجاد شده توسط همین اشغالگران، به سرعت از هم پاشید. با فرار غنی مزدور، تمامی مزدوران سیاسی - فرهنگی امپریالیسم اشغالگر در وجود مزدوران مدنی، رهبران و

احزاب سیاسی و "ان جی او" های دزد، تسلیم طلبان بی آزرم نگران ریختن "آبروی دموکراسی" امریکائی، مزدوران فرهنگی و جواسیس و سرکوبگران دستگاه "امنیت ملی" یا همچون موش ها در سوراخ ها خزیده و یا اگر قابل عنایت اربابان شان بودند، در کشتی شکسته نجات راه یافتند و بقیه به حال زار خود در چنگ انتقام طالبان رها شدند که تا حال عده ای سر به نیست یا ناپدید شده اند.

همزمان با این فروپاشی، مزدوران فاشیست طالبان با هماهنگی و زمینه سازی اشغالگران امریکائی و تفاهم امپریالیست های متجاوز اروپائی، وارد ارگ مزدوران امریکا در کابل شدند و با اعلام "امارت اسلامی" سیاست های خشن توأم با سبعیت ویژه نظام های مستبد قرون وسطائی را همراه با رویکرد های فاشیستی، شوونیسم قومی - جنسیتی و برتری جوئی گروهی و مذهبی، پیشه کرده و در حق زنان و مردان دربند و مظلوم افغانستان اعمال کرده اند.

با غصب قدرت پوشالی توسط گروه طالبان به طور تمامیتخواهانه، تعدادی از نیرو های ارتجاعی مذهبی و قومی در وجود اخوانی های جهادی تسنن و تشیع و رهبران ملیشیا که طی ۲۰ سال اشغالگری، خائنانه و خودفروشانه در خدمت و معیت اشغالگران و متجاوزان به کشور ما بوده اند، حال به بهانه "مقاومت" و "مزدور" و "اشغالگر" نامیدن طالبان، که چنین هستند؛ از مواضع سراپا ارتجاعی و تفرقه افکنانه در صدد کسب مجدد قدرت از دست رفته و تصاحب گنج های فراهم آمده بادآورده برآمده اند. این ذوات و گروه های سهم طلب و بهانه جو اعم از اخوانی های مسعودی - جمعیتی، وحدتی، سیافی و ملیشیائی دوستمی تا حالا ضمن مخالفت های نظامی و سیاسی آشکار و نهان، چندین بار زیر فشار حامیان شمالی و غربی شان (دول آسیای میانه، روسیه و ایران) و بر محور سیاست ها و منافع آزمندانه دول بیرونی مثل ایران، تاجکستان، هند، ترکیه، عربستان، فرانسه، روسیه و... با رهبران طالبان برای احقاق حقوق شان در چهارچوب اصول "امارت اسلامی"، در تهران، انقره و مسکو و سائر جا ها دیدار و مذاکرات بی نتیجه داشته اند. نفس این مذاکرات می رساند که طالبان و "امارت اسلامی" آن برای این مدعیان منافق قدرت، پذیرفتنی است.

یکی از این دسته های ارتجاعی و تا مغز استخوان مزدور که رهبران آن ننگ خیانت ملی و دوسیه های ضخیم جنایت جنگی، ستمگری بر مظلومان، مکتب سوزی، تاراج معادن و تجارت مواد مخدر را در کارنامه های ضد بشری شان دارند؛ بقایای "شورای نظار" منحل و آوار فرو ریخته تنظیم اخوانی "جمعیت اسلامی" کابل سوز و پیاده نظام اشغالگران امریکائی در اشغال افغانستان، در چند محور، از جمله نوچه مسعود جلد، به اسم "احمد مسعود"، "صلاح الدین ربانی" و مافیای اخوانی فراری شمال، "عطاء محمد نور"، جبهه و شورا ساخته اند.

### جبهه مقاومت ملی افغانستان:



یکی از این گروه های متضرر و ورشکسته مدعی تاج و تخت و دریافت سهمش از قدرت در کنار همتایان و برادران طالب در چهارچوب "امارت اسلامی" طالبان، همین گروه متشکل از منافقان اخوانی شورای نظاری است که نوچه "احمد شاه مسعود"، این جلاد روشنفکران انقلابی و آزادیخواه و خلق افغانستان، به اسم "احمد مسعود" را در نقش

رهبری اش به سخریه گرفته است. آرم و اسم این جبهه در عین تفاوت اسمی اش با خط و نشان جلادان اخوانی طالبی؛ از لحاظ ایدئولوژیک و روش سیاسی افراطی و تکیه بر خشونت و شمشیر و شیوه های اسلام سیاسی، مکتب سوزی، زن ستیزی، روشنفکر کشی و خاستگاه بیرونی و پشت جبهه مشترک هر دو گروه اخوانی؛ تفاوت اساسی و ماهوی با برادران طالب شان ندارند. همه این شباهت ها، افراطیت اسلامی، موضع مشترک طبقاتی، مواضع خشن ارتجاعی و زن ستیزانه ضد مکتب و سرانجام مزدور منشی همراه با خون و خشونت و تمامیتخواهی ایدئولوژیک، در این آرم و نشان "جبهه مقاومت ملی" نام نهاد گنجانیده شده و بخوبی به ویژگی ها و صفات فکری، سیاسی و رویکرد های ارتجاعی و ضد بشری گروه و "امارت اسلامی" طالبان قابل مقایسه و مشاهده است.

با این همه، ادعای "مقاومت ملی" توسط خود این گروه مدعی قدرت از دست رفته و صفت بخشی "آزادبخش" بر آن توسط برخی از دلالان و کاسه لیسان منافق این گروه، خیلی نفرت انگیز است.

در درازنای تاریخ کشور ها جنگ های زیادی صورت پذیرفته است که آن را می توان به دو نوع رده بندی کرد: جنگ عادلانه و جنگ غیرعادلانه در مفهوم نوین، سیکولار و غیرمذهبی آن. هر دو نوع این جنگ ها از زمانه های قدیم توسط دولت ها و طبقات برده دار، فئودال و سرمایه دار و نهاد های مذهبی مثل کلیسا و مسجد، دول استعمارگر و در جانب دیگر برده ها، سرف ها و کارگران و خلق های دنیای مستعمرات و نیمه مستعمرات، به شیوه های مختلف در جهان پر آشوب به راه افتاده و تاکنون ادامه داشته است.

تعیین ماهیت و خصلت جنگ در هر زمانی و هر شرایطی نظر به موقعیت طبقاتی و اهداف اعلان شده و نشده جنگ توسط دولت ها و طبقات و سازمان ها و ارتش ها، از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. "جنگ، ادامه سیاست است با وسائل دیگر. همه جنگ ها از نظام های سیاسی زاینده شان جدائی ناپذیر اند. سیاستی که دولتی مفروض و طبقه ای مفروض در درون آن دولت، مدت ها پیش از آغاز جنگ در پیش گرفته، به ناگزیر به وسیله همان طبقه در خلال جنگ ادامه می یابد و تنها شکل عملی ساختنش تغییر می کند." (لنین: «جنگ و انقلاب»، می ۱۴ (۲۷) ۱۹۱۷)

بر پایه این گفته، جنگ یا توسط نیرو های مرتجع و محافظه کار برای رجعت به گذشته، تداوم وضع استقرار یافته جاری؛ یا برای بر هم زدن و تغییر وضعیت فاسد و نامطلوب مستقر فعلی توسط نیرو های پیشرو تاریخ تدارک دیده شده و به راه می افتد. در این میان جنگ های ارتجاعی و غیرعادلانه ای نیز وجود دارند که برای کسب و یا کسب مجدد قدرت یا برای حفظ و تداوم قدرت توسط نیروهای کهن ارتجاعی به راه می افتد. بهترین مثال آن جنگ دیروز طالبان برای کسب مجدد قدرت از دست رفته در برابر امپریالیسم امریکا و ایادی بومی جهادی - تکنوکراتی اش؛ و جنگ و گریز کنونی جهادی ها و ملیشایی بیرون افتاده از قدرت برای کسب مجدد قدرت و یا سهمی از آن است. هیچ کدام از جنگ دو طرف شیفتگان طالبی و جهادی قدرت در گذشته یا حال، صبغه ملی، اجتماعی و عدالتجویانه نداشته است.

از مدتی بدین سو تعدادی از اخوانی های فراری وابسته به دولت مزدور ساقط شده غنی خائن زیر چتر حمایتی اشغالگران امریکائی - ناتوی، پس از ۲۰ سال ارتکاب خیانت ملی، با تکیه زدن طالبان به قدرت، در دره های ولایت پنجشیر و نواحی حومه جنگ زد و گریز را تحت نام "مقاومت ملی" علیه طالبان و در اساس در برونمرز و در رسانه های اجتماعی به راه انداخته اند.

این تعداد از افراد که در گذشته مربوط به دسته اخوانی - سکتاریست قومی «شورای نظار» منحل بودند، اکنون در رابطه با کشور های رقیب طالبان مثل تاجکستان، هند، ایران، فرانسه، روسیه و... قرار گرفته و از جانب آن ها به طور آشکار یا پنهانی تمویل و تسلیح می شوند و زمینه های بزرگنمائی و تبلیغات سیاسی برای این گروه در رسانه های

رسمی این کشور ها و رسانه اجتماعی مساعد ساخته می شود. این دسته از اخوانی ها در ادامه وطن فروشی و خودفروشی تا کنونی خود و رهبران زنده و مرده شان، در زمان تجاوز و اشغالگری نظامی امپریالیست های امریکا - ناتو، در اداره مستعمراتی تحت رهبری پوشالیانی مثل "کرزی" و "غنی" از جمله اراکین بلند پایه آن اداره ضد ملی و ضد مردمی بودند. مزید بر آن و همزمان حین خدمت به اشغالگران وطن و قاتلان مردم، بنا بر داشتن شبکه مافیائی و امکانات دست داشته دولتی؛ به قلدری، اخاذی، ترویج و تجارت مواد مخدر، ترور، سرقت، آدمربائی، استخراج و تجارت غیرقانونی(تاراج) معادن سنگ های قیمتی، غصب اراضی و اماکن دولتی و شخصی افراد، ازدواج های اجباری، ترویج لواط و فحشاء و غیره، دست می یازیدند.

ادامه دارد